ابعاد پیشنهاد رفراندوم برای حل مسأله فلسطین (3)



ابعاد پیشنهاد رفراندوم برای حل مسأله فلسطین (3)

مهدی عزیزی

یکی دیگر از ابعاد مهم پیشنهاد رفراندوم نسبت و رابطه این پیشنهاد با پیشنهاد ها و مواضع قبلی ایران و همچنین جریان مقاومت مردمی فلسطین است. سوالی که مطرح است این است که این پیشنهاد چه نسبتی با جریان مقاومت دارد؟ آیا مقاومت مردمی فلسطین مانع اجرای این پیشنهاد است یا به صورت موازی می تواند راه گشا باشد؟ راه حل اساسی برای حل مسأله فلسطین آیا مقاومت است یا رفراندوم؟ موضع بنیان گذار انقلاب اسلامی ایران و رهبر فعلی انقلاب در این رابطه چیست؟ برای روشن شدن پاسخ این سوالات در ادامه این یادداشت به نکاتی اشاره می شود.

رابطه پیشنهاد رفراندوم با جریان مقاومت

در شرایط کنونی با توجه به بی نتیجه بودن جریان مذاکرات صلح و ادامه روند فشارها و تجاوزات رژیم صهیونیستی، ملت فلسطین تنها راه نجات را در مقاومت و انتفاضه می بیند، انتفاضه ای که پس از ورود شارون به محوطه حرم شریف در 28 سپتامبر 2000 شکل دیگری به خود گرفت و فصل جدیدی برای آن تحت عنوان انتفاضه مسجد الاقصی آغاز شد و همچنان ادامه دارد. مقاومت، حتی بر اساس کنوانسیون های بین المللی نیز یک امر پذیرفته شده است و ملتی که سرزمینش اشغال شده حق دارد با هر وسیله ای از خود دفاع کند و در هر حالتی نباید ملت فلسطین را از این حق، محروم کرد.

جریان مقاومت و انتفاضه ملت فلسطین بارها از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. اما این به معنای نفی پیشنهاد رفراندوم نیست همچنان که پیشنهاد همه پرسی که از جانب رهبر انقلاب مطرح شد نیز به معنای کم ارزش بودن یا کارآمد نبودن و نفی جریان مقاومت نیست بلکه به نظر می رسد تا به نتیجه رسیدن و اجرایی شدن طرح رفراندوم، جریان مقاومت، به عنوان بهترین گزینه باید با شدت دنبال گردد. بنابراین پیشنهاد رفراندوم، در واقع مکمل جریان مقاومت است نه نافی آن. مقاومت مردمی ملت فلسطین، قطعا یک اهرم بسیار موثر برای آزادی فلسطین است و در هر شرایطی هر نوع ابتکاری که مطرح می شود نباید نافی گزینه مقاومت باشد.

رابطه پیشنهاد رفراندوم با مواضع قبلی ایران

1. رابطه با مواضع امام راحل

امام خمینی(ره) بنیانگذارجمهوری اسلامی ایران از اسرائیل به عنوان غده سرطانی یاد کرده اند[1] وخواستار محو اسرائیل از روی کره زمین شده اند.[2] از طرفی راه حل پیشنهادی رهبر فعلی جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد رفراندوم از فلسطینیان است. تامل در فرمایشات رهبر انقلاب اسلامی ایران روشن می سازد که این موضع فعلی معظم له به معنای نادیده گرفتن مواضع امام راحل و آرمان نابودی اسرائیل نیست زیرا اولاً ایشان در بیانات خود، نابودی رژیم غاصب اسرائیل را تنها راه نجات منطقه دانسته اند[3] و ثانیاً پیشنهاد رفراندوم به منزله یک راهکار عقلایی و مطابق با قوانین بین المللی برای دستیابی به آرمان نابودی رژیم صهیونیستی محسوب می شود زیرا روشن است که نتیجه رفراندوم تشکیل یک دولت یکپارچه فلسطینی و نه صهیونیستی است که عملاً به معنای نابودی اسرائیل است. رهبر معظم انقلاب

در بخشی از فرمایشات خود در این باره می فرمایند:

«موضع جمهوری اسلامی ایران که امام فرمودند؛ بارها مسئولان گفته اند و ما هم بارها تأکید کرده ایم این است که اساساً این غده سرطانی اسرائیل باید از این منطقه کنده شود. این یک فرمول کاملاً انسانی و قابل قبول هم دارد و آن این است که همه مردم فلسطین از اردوگاهها و از همه جای دنیا به فلسطین برگردند و تکلیف حکومت خودشان را تعیین کنند.[4]»

2. رابطه با مواضع قبلی مقام معظم رهبری

باوجود این که پیشنهاد رفراندوم رهبر انقلاب، موضع رسمی جمهوری اسلامی ایران در قبال حل مسأله فلسطین می باشد لکن ممکن است تصور شود که مطرح کردن مجدد این پیشنهاد از سوی رهبر ایران به منزله نوعی عقب نشینی از مواضع قبلی ایشان درباره فلسطین مبنی بر ضرورت انتفاضه و مقاومت ملت فلسطین و در واقع شکست جمهوری اسلامی در پرونده فلسطین و ورود به عرصه ای جدید است خصوصا که در شرایط کنونی بعضی ازدولتهای عربی و اسلامی ضمن رها کردن رسمی آرمان فلسطین و قدس شریف وارد حوزه همگرایی با رژیم صهیونیستی در چارچوب طرح موسوم به معامله قرن آمریکا نیز شده اند و ممکن است چنین تلقی شود که این موضوع، ایران را ناگزیر از عقب نشینی از سیاست های آرمانی خود در حوزه فلسطین کرده است. اما این تلقی صحیح نیست زیرا اولاً رهبر معظم انقلاب ایران سالها پیش از این، ابتکار برگزاری رفراندوم را مطرح کرده بودند بنابراین، تغییر موضع برای جمهوری اسلامی ایران به شمار نمی رود . ثانیاً این پیشنهاد، همانگونه که اشاره شد، نافی جریان مقاومت و آرمان نابودی رژیم اسرائیل نمی باشد زیرا نتیجه این پیشنهاد، هر چه باشد، نابودی دولت اشغالگر اسرائیل و آزادی قدس شریف است و رهبر معظم انقلاب ایران در سخنان اخیر خود در عید فطر 1349 قمری به این معنا اشاره کرده اند.[5]

[1]- امام خمینی؛ صحیفه امام، ج10؛ ص160

[2]- همان؛ ج16؛ ص490 و ج19؛ ص31

[3]- برای نمونه: ر.ک: بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران؛ 10/10/1378

[4]- بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران؛ 25/9/1379

[5]- ر.ک: www.khamenei.ir